

هویت تاریخی، نوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی ترکیه

فرهاد دانش‌نیا*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

قدرت احمدیان

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه

مسعود هاشمی

کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، از سال ۲۰۰۲ میلادی تحولات فراوانی در سیاست خارجی این کشور شکل گرفته است. دولت برآمده از این حزب، سیاست خارجی چندوجهی، فعال، پویا و مستقلی را در پیش گرفته که به‌طور همزمان گسترش روابط با کشورهای غربی از یک سو و تقویت سیاست نگاه به شرق را از دیگر سو تعقیب می‌کند. در مفهوم‌سازی رویکرد حاکم بر سیاست خارجی جدید ترکیه، اصطلاح نوعثمانی‌گری یا عثمانی‌گرایی جدید مرسوم شده است. پرسش قابل طرح در این راستا این است که رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه بر چه سازه‌هایی استوار است؟ مقاله حاضر این فرضیه را مورد واکاوی قرار می‌دهد که سیاست خارجی جدید ترکیه برگرفته از صورت‌بندی هویتی مبتنی بر سابقه تاریخی و فرهنگی خاص برای این کشور قابل فهم است. بر پایه این رویکرد، در کنار دغدغه همگرایی ترکیه با غرب، گسترش روابط این کشور با مناطق ژئوپلیتیکی خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و شمال آفریقا که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند در اولویت سیاست خارجی جدید ترکیه قرار دارد. در مقاله حاضر، ضمن تبیین رابطه هویت و سیاست خارجی ترکیه، ماهیت نقش‌ها، منافع و اهدافی که دولت مردان کنونی ترکیه برای سیاست خارجی این کشور در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف کرده‌اند، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، سازه‌انگاری، نوعثمانی‌گرایی، هویت، تاریخ.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۴/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۷

مقدمه

ترکیه پس از چند دهه گرایش یک سویه به غرب، از زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه راه میانه و سیاست متعادلی را در قبال کشورهای غربی، اسلامی و مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند در پیش گرفته است. نخبگان و رهبران سیاسی حزب عدالت و توسعه پس از رسیدن به قدرت، هویتی تاریخی برای خود و ترکیه بازسازی کرده‌اند. به‌طورمثال، اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه، در مصاحبه با مجله پروفایل اتریش در سال ۲۰۰۷ م عنوان می‌کند ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که بسیاری از تمدن‌ها در تعامل با یکدیگرند. از یک سو ما کشوری اروپایی هستیم و از طرف دیگر با آسیا مناسباتی داریم. علاوه بر این، سمت و سوی نگاه ما به مسائل خاورمیانه است که این امر مسئولیت‌هایی را بر عهده ما می‌گذارد که در خاورمیانه، بالکان، قفقاز و غیره به ایفای نقش پردازیم. این مأموریت تاریخی ماست و روندی طبیعی است که از طرف کسی بر ما تکلیف نشده است (Davutoglu, 2008). اردوغان در سال ۲۰۱۱ م نیز پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات عنوان می‌کند که امروز از استانبول تا ساریوو (مرکز بوسنی)، از ازبک تا بیروت، از آنکارا تا دمشق، از دیار بکر تا رام‌الله، نابلس، جنین، کرانه باختری و بیت‌المقدس، از ترکیه تا خاورمیانه، قفقاز، بالکان و اروپا پیروز شد. در واقع نقشه جغرافیایی که اردوغان در نطق خود ترسیم می‌کند، دربرگیرنده سرزمین‌هایی است که زمانی قلمرو تحت حاکمیت ترکان عثمانی را تشکیل می‌داد (Taspinar, 2012, 2).

عبدالله گل، از دیگر رهبران حزب عدالت و توسعه، نیز با بیان اینکه میراث عثمانی، هویت مشترک مردم ترکیه را تشکیل می‌دهد، معتقد است که مردم ترکیه از هر قوم و نژادی که باشند شهروند ترکیه محسوب می‌شوند و هیچ قوم و نژادی بر دیگری برتری ندارد. وی در این مورد عنوان می‌کند که من در «کاسیری» متولد شده‌ام و دوست من در «وان» (از شهرهای کردنشین ترکیه). تولد هیچ‌یک از ما نیز در دست خودمان نبوده است. وقتی در میدان‌های مختلف طرابلس^۱ یا داردانل^۲ می‌جنگیدیم، چه کسی از قومیت ما می‌پرسید؟ هیچ‌کس حتی به فکر قومیت ما نیز نبود (یاووز، ۱۳۸۹، ۲۲۶). داوود اوغلو، نظریه‌پرداز و اجراکننده سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، نیز معتقد است ترکیه به لحاظ تاریخی و فرهنگی با ایران، اعراب، قفقاز و بالکان پیوند خورده است و در دوره عثمانی، اولویت خاصی برای خاورمیانه قائل بود، به همین دلیل نمی‌توان بدون توجه به تجربه عثمانی سیاست خارجی موفقی را برای ترکیه طراحی کرد (Ulgen, 2010, 4-6).

بر اساس مبانی فکری یادشده، ترکیه در این دوره علاوه بر این‌که تاکنون به تلاش خود برای پیوستن به اتحادیه اروپا ادامه داده و نزدیکی به غرب، به‌ویژه اروپا را از اولویت سیاست خارجی خود خارج نکرده است، در عین حال به گسترش روابط و ایفای نقش در مناطق اطراف خود مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و شمال آفریقا می‌پردازد. پرسشی که در

این راستا مقاله حاضر را راهبری می‌کند این است که رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه بر چه سازه‌هایی استوار است؟ فرضیه مقاله چنین طراحی شده است که سیاست خارجی جدید ترکیه برگرفته از صورت‌بندی هویتی مبتنی بر یک سابقه تاریخی و فرهنگی خاص برای این کشور قابل فهم است. تحقیق حاضر بر اساس مبانی نظری رهیافت سازه‌انگاری، به‌ویژه اندیشه‌های الکساندر ونت^۲، نظریه پرداز برجسته این رهیافت، فرضیه مذکور را پردازش می‌کند. هدف نوشتار پیش رو این است که درک مناسبی از نسبت هویت تاریخی و سیاست خارجی نوع‌مانی‌گرا در ترکیه از زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر این کشور ارائه دهد. در این پژوهش نشان داده می‌شود که ایجاد تعادل در الگوی بین الزامات متعارض مناطق مختلف در سیاست خارجی ترکیه رویکردی فعال، پویا و چندوجهی را می‌طلبد که زمامداران حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کنند قاعده‌مندی آن را در قالب الگوهای همکاری و تعارض رعایت کنند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش و نسبت آن با مطالعات جهان اسلام این است که ترکیه در برهه کنونی حیات خود به دنبال تعریف جدیدی از هویت و گفتمان فکری- فلسفی حاکم بر این کشور است که زمینه‌ساز کنشگری ترکیه در فضای اقتصاد سیاسی جهانی بدون کنار نهادن گرایش‌های دینی است. امکان یا امتناع دستیابی به این مهم در محافل دانشگاهی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد این کشور به جهان اسلام و بازصورت‌بندی لایه‌های هویتی سیاسی- اجتماعی داخلی در راستای الزامات دینی و فاصله گرفتن از گرایش‌های لائیک داخلی از یک سو و در مقابل اتخاذ رویه متعادل و تعامل‌جویانه در قبال غرب از دیگر سو در چهارچوب تحلیلی صورت می‌گیرد که معتقد است امکان ارائه سنتزی از اسلام سیاسی میانه‌رو و متساهل وجود دارد. این مهم بر پایه قرائتی از دین نزد متفکرانی نظیر فتح‌الله گولن در دستور کار قرار گرفته که معتقد است هم می‌توان ظرفیت تعامل با غرب را در راهبرد سیاست خارجی ترکیه محفوظ کرد و هم جایگاه این کشور را در جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه ارتقا داد. بر پایه این تحول، شکل‌گیری نوعی رقابت بین ترکیه و ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام دور از انتظار نیست. تاکنون نیز در قبال بحران‌های منطقه نظیر سوریه، مصر و تا حدودی عراق تعارضات سیاست خارجی دو کشور نمایان شده است. مطالعه شاخص‌های هویت جدید ترکیه و دکنترین سیاست خارجی این کشور در جهان اسلام آن هنگام اهمیت خود را بیشتر آشکار می‌کند که به این واقعیت توجه کنیم که جمهوری اسلامی به عنوان تنها انقلابی در قرن بیستم شناخته می‌شود که با مدعای به صحنه آوردن دین و ارائه الگویی متفاوت از گفتمان لیبرالیسم غرب و سوسیالیسم شرق، دغدغه هدایت جریان‌های اسلامی و بسط اسلام‌گرایی را در چهارچوب بیداری اسلامی و الهام‌بخشی به جهان اسلام دنبال می‌کند. در قسمت اول این نوشتار به چهارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود، سپس با بررسی شاخص‌های هویت تاریخی در ترکیه و مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند به تبلور این مهم در سیاست خارجی

ترکیه در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه با عنوان نوعثمانی‌گرایی پرداخته می‌شود. در قسمت بعدی مقاله، سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، آفریقا، بالکان، امریکا، اروپا و اسرائیل مورد کنکاش قرار گرفته است و در نهایت نیز نتیجه‌گیری پژوهش می‌آید.

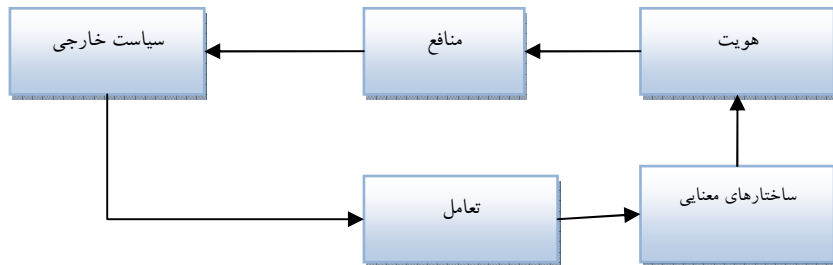
چهار چوب نظری

در مجموع، نظریه‌ها از دو زاویه به مطالعه سیاست خارجی می‌پردازند. دسته‌ای نقش عوامل مادی و محیطی (داخلی و خارجی) را علت اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌کنند. این دسته که در تاریخ اندیشه‌های روابط بین‌الملل به خردگرایان^۴ مشهورند در دو طیف قرار دارند: طیف نخست نظریه‌هایی هستند که به سطح کلان می‌پردازند و ساختار نظام بین‌الملل را تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها قلمداد می‌کنند. طیف دوم نظریه‌هایی هستند که به توضیح سیاست خارجی دولت‌ها در سطح خرد می‌پردازند و به عوامل داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند. (Martin, 1999, 49) دسته دوم نظریه‌های معناگرا^۵ هستند که بر نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی در سیاست خارجی تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین این نظریه‌ها رهیافت سازه‌انگاری^۶ است. از منظر سازه‌انگاری هویت، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها بازی می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان بر اساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی، هویت، فرهنگ‌ها و حضور در نهادهاست تصمیم‌گیری می‌کنند و این هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین می‌نمایند. بنابراین کنشگران بر اساس منطق «زیندگی و تناسب» عمل می‌کنند و هنجارها تابع منافع کنشگران نیستند بلکه به این منافع شکل می‌دهند.

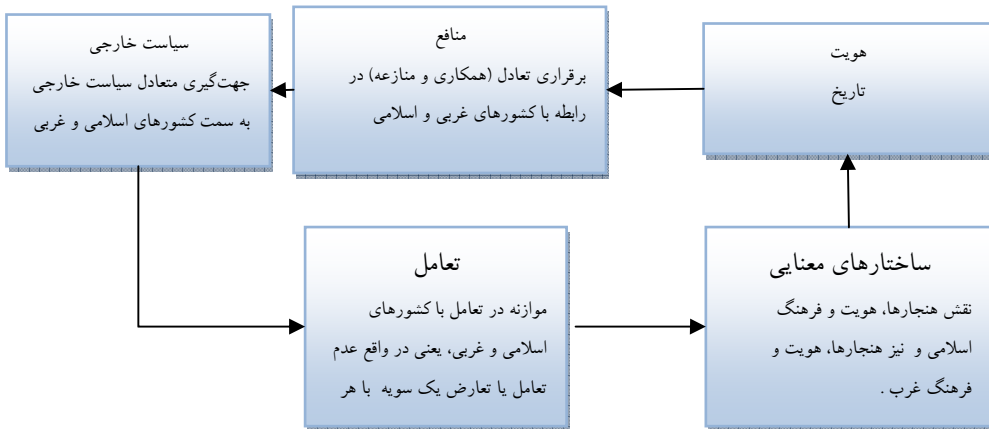
علاوه بر این نقش هنجارها و هویت فقط به تحدید یا تشویق کنش (یعنی تأثیری تنظیم‌کننده) محدود نمی‌شود. بلکه آنها دارای تأثیر تکوینی نیز هستند. یعنی اهداف کنشگران را مشروعیت - بخشیده و تعریف می‌کنند. اما آنچه در میان عوامل غیرمادی برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی بیشتر مورد توجه سازه‌انگاران قرار گرفته مسئله هویت است. «امانوئل آدلر» در این مورد بیان می‌کند که هویت دولت‌ها محور تعریف آنها از واقعیت و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و ... است که در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. وی بیان می‌کند که کشورها مانند افراد تا اندازه زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند این قضاوت‌های ارزشی کنش را از طریق تحت نفوذ قرار دادن برداشت ما از موقعیت‌های ویژه و نیز جهت دادن به انتخاب ما تحت تأثیر قرار می‌دهند (Adler, 1997, 7-50).

در بین سازه‌انگاران کسی که بیشتر از همه به مسئله هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی توجه نموده الکساندر ونت است. ونت ویژگی‌های هویت را چنین بیان می‌کند:

- ۱- معانی جمعی قوام‌بخش ساختارهایی هستند که به کنش‌های ما سازمان می‌بخشند؛
- ۲- کسب هویت ناشی از مشارکت دادن در این معانی جمعی است؛
- ۳- هویت ذاتاً امری نسبی و رابطه‌ای است در نتیجه اهمیت یک هویت خاص و تعهد به آن امری ثابت نیست؛
- ۴- هویت‌ها بنیان منافع هستند و منافع مستقل از زمینه اجتماعی وجود ندارد. در هر موقعیت تجربه‌شده‌ای معنای آنها و در نتیجه منافع مربوط ساخته می‌شود (Wendth, 1991:92-140). پیوند بین هویت و سیاست خارجی را در سامان فکری ونت می‌توان در قالب نمودار زیر به خوبی نشان داد.



در مقاله حاضر نسبت بین هویت تاریخی و سیاست خارجی نوع‌ثانی‌گرا در ترکیه در چهارچوب نگاه ونت و بر اساس مدل زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.



هویت تاریخی

سرزمینی که امروزه جمهوری ترکیه نامیده می‌شود کمتر از ۱۰۰ سال پیش مرکز یک امپراتوری بزرگ بود که کشورهای عربی خاورمیانه (سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین و حجاز)، ترکیه

امروزی، بخشی از شمال فریقا (مصر، الجزایر، لیبی، تونس) و قسمت اعظم بالکان، یونان، رومانی، ترانسیلوانیا (یک بخش تاریخی در رومانی است که در جنوب و شرق کوهستان کارتیپان به وجود آمده)، مولداوی، والاشی یا مالاکیا (قسمتی از رومانی امروزی)، بلغارستان، صربستان، بوسنی و هرزگوین، مونتگرو و مقدونیه را زیر نگین داشت و یکی از پایدارترین امپراتوری‌های مسلمان بود که بیش از شش قرن در صحنه سیاست اسلامی برای اتحاد داخلی میان سرزمین‌های اسلامی و دفاع از آنها در برابر دولت‌های اروپایی ایفای نقش کرد و همچنین در صحنه سیاست جهانی و معادلات بین‌المللی یکی از قدرت‌های مهم و تأثیرگذار بود. در این راستا تحولات عظیم بین‌المللی، رویکردهای جهان‌بینانه، تعریف رسالت جهان‌شمولی، موقعیت استراتژیک و غیره عواملی هستند که به‌خصوص در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم امپراتوری عثمانی را در موقعیتی قرار دادند که نقش آن برای تمام قدرت‌های جهان غیرقابل انکار بود. از طرف دیگر وسعت جغرافیایی، نیروی نظامی گسترده، فتوحات بزرگ، آثار تاریخی جاوید، همراه با عمری دراز که کمتر سابقه‌ای در تاریخ دولت‌های اسلامی و حتی غیراسلامی دارد، عظمتی به آن بخشیده است که دوست و دشمن به آن اعتراف دارند (احمدی‌اقتی، ۱۳۹۱: ۱۳). در این امپراتوری مردم با نژادها، زبان‌ها و مذاهب مختلف زندگی می‌کردند که همه آنها شهروند امپراتوری محسوب می‌شدند. در واقع امپراتوری عثمانی یک تمدن را ایجاد کرد که به جهان وطنی یونانی‌ها، رومی‌ها و بیزانسی‌ها شبیه بود.

شاخص‌های هویت تاریخی

در ترکیه امروز، علائم و نشانه‌هایی وجود دارد که همگی از شاخص‌های نشان‌دهنده هویت تاریخی این کشور است. از جمله آنها می‌توان به وجود مذاهب، اقوام، نژادها، آثار و بناهای تاریخی و نشانه‌های به‌جامانده از دوره عثمانی در ترکیه، آثار و نشانه‌های تاریخی و همچنین جمعیت ترک‌زبان و مسلمان در کشورهایی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند مثل کشورهای حوزه بالکان، کشورهای عربی - اسلامی و غیره همچنین به جنبش فتح‌الله گولن به عنوان یک جنبشی که هویت تاریخی (ترکی، اسلامی و اروپایی) برای ترکیه قائل است اشاره کرد.

- مذاهب مختلف

در ترکیه پس از دین اسلام که دارای شاخه‌های مختلف است (حنفی‌ها، شافعی‌ها، علویان و شیعیان) و بیش از ۹۸ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد، مذاهب دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله مسیحیت که بعد از اسلام بیشترین پیروان را دارد. مسیحیان در ترکیه به فرقه‌های مختلفی مانند پروتستان‌ها، کاتولیک‌ها، ارامنه گریگوری و غیره تقسیم می‌شوند که امروزه جمعیت آنها به بیش از ۱۲۰/۰۰۰ نفر می‌رسد. مذهب دیگری که امروزه در ترکیه پیروانی دارد مذهب یهودیت است. در حال حاضر حدود ۲۰ هزار نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی ترکیه را یهودیان تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها در استانبول مستقر هستند. علاوه بر این در ترکیه حدود ۳۰ کنیسه

وجود دارد که امروزه جامعه یهودیان ترکیه مراسم مذهبی خود را در آنها انجام می‌دهند. (www.yahood.net)

- اقوام و نژادهای مختلف ترکیه

در حال حاضر اقوام و نژادهای مختلفی در ترکیه زندگی می‌کنند که بیشتر آنها از بازماندگان دوران امپراتوری عثمانی هستند که از آن جمله می‌توان به آلبانیایی‌ها که خاستگاه آنها به آلبانی، کشوری در منطقه بالکان (شرق اروپا)، بازمی‌گردد و زمانی جزء قلمرو امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد، اعراب که بسیاری از آنها سنی علوی مسلمان هستند، آشوری‌ها، آذربایجانی‌ها، بوسنیایی‌ها، بلغارها، سرکاسینس‌ها که ریشه آنها به مردم نواحی قفقاز بازمی‌گردد، داغستانی‌ها، تاتارهای کریمه، گرجی‌ها، یونانی‌ها، قزاق‌ها، کردها، قرقیزها، اوستیایی‌های منطقه قفقاز، مردم نخ از منطقه چچن و اینگوش اشاره کرد. در آخر نیز باید از اقلیت رومنی‌ها نام برد که از بازماندگان امپراتوری بیزانس در این کشورند. (www.enwikipedia.org)

- شهرها، بناها و نشانه‌های تاریخی

کشور ترکیه بازمانده سه امپراتوری بزرگ (رم، بیزانس و عثمانی) و دارای تاریخی طولانی و چند هزار ساله است؛ از این رو، این کشور شهرها، بناها و نشانه‌های تاریخی فراوانی دارد که نشان‌دهنده هویت تاریخی و گذشته فرهنگی - تمدنی غنی این کشور است و از جمله آنها می‌توان به شهر استانبول اشاره کرد که جمعیت آن تلفیقی از مذاهب و ملیت‌های گوناگون است و قرار گرفتن مساجد، کنیسه‌ها، کلیساها و آثار و نشانه‌های تاریخی در کنار یکدیگر منظره‌ایی از هویت تاریخی ترکیه را به نمایش گذاشته است. (کیانی فر، ۱۳۸۵). همچنین می‌توان به بنای تاریخی ایا صوفیه، مسجد سلیمانیه، مسجد فاتح، موزه روملی حصار یا دژ دریایی، موزه هنرهای اسلامی ترکیه، موزه نظامی، منطقه تاریخی آرنا واتکوی، برج تاریخی گالاتا، کاخ توپ کاپی، مسجد سلطان احمد یا مسجد آبی، قصبه مادر مقدس یا متروپلیس، دانشگاه بغازچی، سردر دانشگاه استانبول، پولونزکوی یا قصبه لهستانی‌ها اشاره کرد. حتی می‌توان از پرچم ترکیه نام برد که از ماه و ستاره با زمینه سرخ‌رنگ تشکیل شده است و این طرح مربوط می‌شود به علائمی که امپراتوری‌های سلجوقی عثمانی از آن استفاده می‌کردند. (<http://turkiye.blogfa.com>)

امروزه در کشورهایی نظیر بلغارستان، یونان، صربستان، آلبانی، رومانی، بوسنی و هرزگوین، عراق و سوریه که در گذشته بخشی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، اقلیت ترک‌زبان و مسلمان و آثار و بناهای تاریخی و اسلامی وجود دارد که نشان‌دهنده تسلط طولانی امپراتوری عثمانی بر این کشورها و در نتیجه گسترش و نفوذ دین، فرهنگ و معماری اسلامی در آنها است.

همچنین گستره سیطره و هژمونی فرهنگی و تاریخی امپراتوری عثمانی تا منطقه بالکان نیز تسری می‌یابد و برخی از این مناطق مثل مقدونیه و اسلوونی در سال ۱۹۹۱م از یوگسلاوی جدا

شدند و برخی نیز مثل مونته‌نگرو و کوزوو در دهه اخیر از صربستان جدا شده‌اند و هرکدام از این کشورها دارای اقلیت ترک‌زبان و مسلمان هستند که ریشه در امپراتوری عثمانی دارند. به مناطق دیگری مثل قبرس شمالی و شبه جزیره کریمه (در حال حاضر بخشی از کشور اوکراین است) نیز می‌توان اشاره کرد که دارای اقلیت ترک‌زبان و نیز دارای آثار و بناهای تاریخی مربوط به دوره عثمانی‌اند. حتی می‌توان علاوه بر مواردی که ذکر شد، به وجود مسلمانان در مناطق دیگری چون استان سین کیانگ چین، جمهوری چین، تاتارستان و باشکورستان در روسیه، علی‌رغم اینکه این مناطق تحت تسلط مستقیم عثمانی نبوده‌اند نیز اشاره کرد.

- جنبش فتح‌الله گولن

جنبش گولن در ترکیه تحت تأثیر طریقت نرجو در این کشور به بار نشست. نرجو به معنای پیرو نور، برگرفته از نام رهبر آن، بدیع‌الزمان سعید نرسی، (۱۹۶۰-۱۸۷۳م) است. پیروان این طریقت رهبر اصلی خود را رسول اکرم (ص)، رهبر افکار جماعت خود را سعید نرسی و رهبر امروز خود را فتح‌الله گولن می‌دانند و حتی او را مهدی منجی و عیسی نیز می‌نامند. (بدل، ۱۳۸۳: ۲۹۴)

تفاوت طریقت نرجو با سایر طریقت‌های معمولی صوفی این است که بر دو عنصر علم و عقل در اسلام تکیه می‌کند، زیرا نرسی رهبر این طریقت اعتقاد دارد که عقل و علم آینده جهانی را در اختیار خواهند گرفت و از این رهگذر قرآن بر جهان حاکم خواهد شد، زیرا تمام دستورهایش بر اساس این دو عنصر است. (فلاح، ۹-۳، ۱۳۸۹) اما با وجود این، باید گفت نرسی با خشونت و دخالت اسلام در سیاست مخالف بود و منطق گفتگو و تسامح و تساهل را تشویق می‌کرد. از تأثیراتی که نرسی و طریقت او بر جنبش گولن گذاشتند این است که همیشه بزرگی و شأن و مقام انسان را از هر قوم و نژاد و مذهبی گرامی بدانند. به‌طور مثال، هرگز مسیحیان را به عنوان دشمن سرزنش نکنند؛ تأثیر این آموزش نرسی باعث شد که جنبش گولن نسبت به جهانی‌شدن و غرب نظری مثبت پیدا کند (KuRu, 2005: 262-265) و مدرنیته را با دین‌ورزی، ناسیونالیسم، تسامح و مردم‌سالاری پیوند دهد. آلبای روزنامه‌نگاری که از سال ۱۹۹۶م تحقیقات گسترده‌ای روی جنبش گولن انجام داده است، معتقد است که رشد گسترش این جنبش بیانگر آن است که بخش زیادی از جامعه ترکیه معتقدند که اسلام با مدرنیته سازگار است و مذهب می‌تواند عاملی برای مدرنیته باشد. وی همچنین معتقد است که این جنبش تأثیر فزاینده‌ای بر سیاست خارجی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه داشته است.

(Kadiohlu&Brubaker, 2010: 21-22)

نسبت این جنبش با رویکرد تاریخی ترکیه به هویت و منافع خود این است که جنبش یادشده با دیگر جنبش‌های اسلامی که در ترکیه و منطقه خاورمیانه ظهور کرده‌اند تفاوت دارد. این جنبش بنیادگرا و خواستار برانداختن حکومت و جایگزین شدن با آن نیست؛ با جهانی‌شدن و

غرب‌گرایی موافق است؛ ادعای مبارزه با استکبار و امپریالیسم جهانی را ندارد و امریکا را شر مطلق تلقی نمی‌کند؛ با اسلام سیاسی مخالف و به جای آن اسلام اجتماعی^۷ را ترجیح می‌دهد؛ طرفدار عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست و به جای اتحاد کشورهای اسلامی به دنبال تشکیل اتحاد اسلامی ترکان است؛ این جنبش به مذهب شیعه و ایران و دیگر کشورهای اسلامی نگاهی عثمانی‌شکل دارد و از این‌روست که گولن این شعار را بر تابلویی روی در اتاق خود آویخته است: «عثمانیان با شمشیر امپراتوری جهانی تأسیس کردند، ولی اکنون خواسته می‌شود همان رؤیا با قلم تحقق یابد.» از همه مهم‌تر، این جنبش علی‌رغم برخی تفاوت‌ها در عناصر ایدئولوژیکی مانند مسئله کردها، ایران و اسرائیل با حزب عدالت و توسعه، با تمام امکانات از این حزب و رهبرش، اردوغان، در برابر فشار محافل لائیک حمایت می‌کند، زیرا جنبش گولن از نظر مبانی فکری و روابط سازمانی به حزب عدالت و توسعه بسیار نزدیک است و این حزب از آموزه‌ها و جهان‌بینی سیاسی - اجتماعی این جنبش به عنوان الگوی اسلامی مورد نظر ترکیه و معرفی آن به جهان اسلام برای اجرای سیاست خارجی نوع‌مانی‌گرایی خود استفاده می‌کند. نکته دیگر در این راستا، مسئله هویت کسانی است که در این جنبش حضور دارند؛ افرادی با ریشه‌های بالکانی که گولن به‌طور عمیق تحت تأثیر آنها قرار دارد تا افرادی با هویت اسلامی (اسلام معتدل و دموکراتیک) و افرادی با گرایش ناسیونالیسم ترکی که ترک بودن را یک آرمان می‌دانند در برمی‌گیرد. (اشرفی، ۱۳۹۱)

سیاست خارجی نوع‌مانی‌گرا

نوع‌مانی‌گرایی عبارت است از یک سیاست خارجی فعال و متنوع مبتنی بر میراث عثمانی. این اصطلاح که اولین بار توسط یک روزنامه‌نگار به نام «سنگیز کانداز»^۸ ابداع شد (Sandrin, 2009:2)، به مفهوم کشورگشایی نیست، بلکه به معنی نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور بر اساس مزیت‌های تاریخی و هویتی آن است. «باسکین اوران»^۹، استاد دانشگاه استانبول، در تعریف نوع‌مانی‌گرایی عنوان می‌کند که سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه یادآور یک نوع‌مانیسم است، زیرا در آن هم مواضع مذهبی در گسترش رابطه با کشورهای اسلامی دیده می‌شود و هم یادآور سیاست خارجی آتاترک است که مبتنی بر غرب‌گرایی جدید و همسایگی خوب بود.

«آیسه کادی اوغلو»^{۱۰} در مورد این رویکرد سیاست خارجی ترکیه عنوان می‌کند که امروزه رهبران ترکیه به تهران احساس نزدیکی دارند، همچنان که آنها به لندن، پاریس و بروکسل احساس نزدیکی می‌کنند. وی رهبران ترکیه را افرادی توصیف می‌کند که بر روی عرشه کشتی به سمت غرب در حال حرکت هستند و نگاهشان به سمت شرق است.

«کالیسو نیکولایدیس»^{۱۱} این جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه را به یک «کشتی بُسفری» تشبیه می‌کند که در همه جهات می‌چرخد. وی می‌گوید باید توجه داشت که این کشتی بُسفری،

کشتی تایتانیک یا یک کشتی سبک هلندی نیست، بلکه یک کشتی شناور و روان است که در تمام جهات و به صورت ناگهانی حرکت می‌کند. شما می‌توانید به دمشق، بغداد و تهران بچسبید هر جا که کشتی شما را به جلو می‌برد. (Kadioglu&Brubaker,2011:47)

روزنامه «دویچه وله» آلمان این نوع سیاست خارجی ترکیه را به پل تشبیه می‌کند، زیرا ترکیه می‌خواهد نقش رابط میان اروپا، خاورمیانه و آسیا را بازی کند و از طریق ایفای نقشی پررنگ در عرصه سیاست بین‌الملل، جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد. (زعفرانی، ۱۳۹۰)

اردوغان نیز در سال ۲۰۱۰م، زمانی که «مجله اشپیگل» آلمان از وی می‌پرسد که آقای نخست‌وزیر، کشور شما در حال حاضر تصویر گیج‌کننده‌ای از خود ارائه می‌کند؛ از یک سو ترکیه نسبت به پیش از روی کار آمدن شما مدرن‌تر و آزادتر شده و از سوی دیگر مذهبی‌تر و اسلامی‌تر شده است؛ شما ترکیه را به کدام سو می‌برید؟ به سوی غرب، به سوی اروپا یا شرق؟ پاسخ می‌دهد که ما به جهات چهارگانه توجه می‌کنیم. بدین صورت اگر نگاه به غرب داریم از شرق روی برنمی‌گردانیم. (www.asnoor.ir)

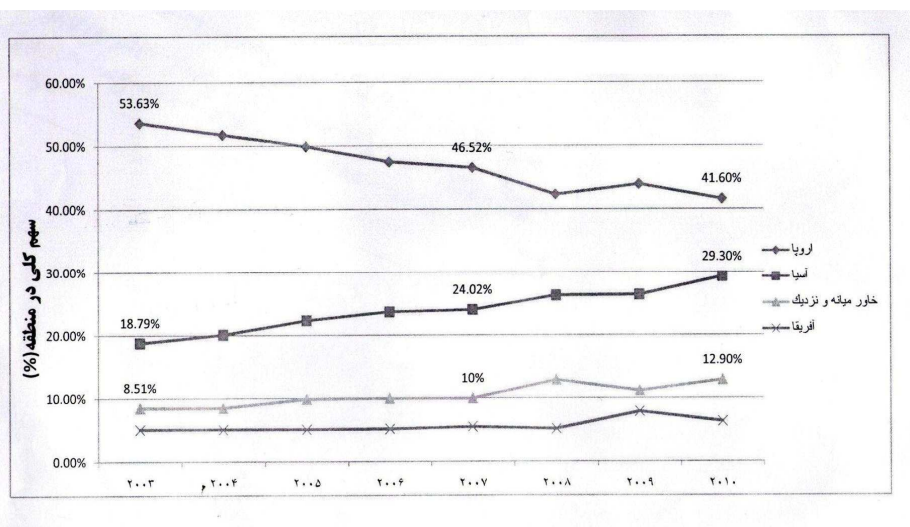
«گرآهام فولر»^۲ نیز در کتاب جدید خود با عنوان جمهوری جدید ترکیه، سیاست خارجی دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه را احیاکننده مجدد هویت عثمانی می‌داند که ویژگی آن گرایش کامل به سمت اتحادیه اروپا نیست، بلکه در خاورمیانه نیز فعال است و در واقع یک سیاست متنوع و دارای تعامل با شرق و غرب است. (Sandrin,2009:5) فولر در ادامه ذکر می‌کند که در این سیاست، ترکیه دیگر هم‌پیمان صادق غرب نیست، ولی در عین حال باید به این نکته توجه کرد که این کشور هرچند ممکن است به نسخه‌های غربی عمل نکند، اما آنچه انجام می‌دهد نیز الزاماً در ضدیت با غرب نیست و در بسیاری مواقع برای کشورهای غربی مفید است. (افخمی، ۱۳۸۹) به هر حال باید گفت که نوعثمانی‌گرایی، آمیزه‌ای از مطلوبیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه را به تصویر می‌کشد؛ در واقع، نوعثمانی‌گرایی یک ایدئولوژی به شمار نمی‌رود، بلکه به عنوان رویکردی نوین با برجسته کردن عنصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی به محیط ژئوپلیتیک ترکیه معنایی جدید می‌بخشد. در درون این رویکرد جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی دیده می‌شود. در این تفسیر، در ظرف معرفتی «انسان ترکیه‌ای» سه عنصر هویتی یعنی مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اوراسیایی و شهروند اروپایی بودن با یکدیگر پیوند منطقی و معناداری برقرار می‌کنند. در اینجا ذکر این نکته لازم است که نوعثمانی‌گرایی با عثمانی‌گرایی تفاوت دارد و آنچه را که در سیاست‌های نوعثمانی‌گرایی دیده می‌شود نمی‌توان به صرف احیای امپراتوری عثمانی به معنای احیای خلیفه‌گری با عناصر اسلامی آن تعبیر کرد، بلکه علاقه نخبگان سیاسی نوعثمانی‌گرا به دوران امپراتوری عثمانی را باید متناسب با متن جهانی تعریف کرد که خود را در آن با توجه به هویت تاریخی ترکیه می‌بینند که در این متن، ارتباط با غرب و همچنین ارتباط با جهان اسلام و

خاورمیانه به طور متوازن عناصر اساسی را تشکیل می‌دهند. (Kardas,2010:10-20)

به همین دلیل، علی‌رغم وجود دیدگاه‌های منفی در غرب درباره جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در این دوره و توجه بیشتر آنها به جهان اسلام و کشورهای خاورمیانه، ترکیه در این دوره در گسترش روابط با غرب و کشورهای اسلامی و مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، نوعی تعادل یا رابطه مبتنی بر همکاری و منازعه را برقرار کرده است. مقصد سفرهای خارجی مقامات سیاسی این کشور، تلاش دولت‌مردان آن را برای ایجاد توازن در جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه به خوبی نمایان می‌کند. داوود اوغلو، وزیر خارجه و یکی از معماران دکترین مذکور، در سال اول وزارت خود ۱۰۰ سفر خارجی انجام داد که ۲۸ مورد به اروپا، ۲۷ مورد به خاورمیانه، ۱۸ مورد به بالکان، ۹ مورد به آسیا و ۸ مورد به ایالات متحده آمریکا بوده است. (امیدی و رضایی: ۲۴۷-۲۴۵)

در این دوره، توجه به توازن در سیاست خارجی ترکیه حتی روی مبادلات تجاری و اقتصادی این کشور نیز تأثیر گذاشت. به عنوان مثال، سهم اتحادیه اروپا در تجارت خارجی ترکیه از ۵۶/۶۳ درصد در سال ۲۰۰۳ م به کمتر از ۴۲ درصد در سال ۲۰۱۰ م کاهش یافت، در حالی که سهم کشورهای خاورمیانه از ۸/۵۱ درصد در سال ۲۰۰۳ م به ۱۲/۹ درصد در سال ۲۰۱۰ م رسید و سهم کشورهای آسیایی از ۱۸/۷۹ درصد در سال ۲۰۰۳ م به ۲۹/۳ درصد در سال ۲۰۱۰ م افزایش یافت. (Onis,2011:58) افزایش صادرات ترکیه در سال ۲۰۰۳ م به رشد ۳۱ درصد و در سال ۲۰۰۴ م به ۳۲/۸ درصد، یعنی به مبلغ ۶۳/۸ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۵ م نیز صادرات نسبت به سال قبل رشد ۴۰/۱ درصدی را تجربه کرد و به مبلغ ۹۷/۲ میلیارد دلار رسید. این افزایش در سال ۲۰۰۷ م به میزان ۱۱۵/۳ میلیارد دلار رسید و این رقم در سال ۲۰۰۸ م به ۱۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت، هرچند در سال ۲۰۰۹ م به ۱۰۲/۲ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد. (T.C.başbakanlik(Diştiraret, 2007:136).

نمودار ۳-۱: مبادلات تجاری ترکیه با مناطق مختلف دنیا در زمان حاکمیت نوعثمانی‌گرایان



Source: Onis, Ziya (2011), "Multiple Faces of the New Turkish Foreign Policy: Underlying Dynamics and a Critique: In Sight Turkey, Vol. 131. No. 10, P= 56

از زاویه دیگر نیز می‌توان تأثیر این سیاست خارجی متوازن ترکیه بر روابط اقتصادی را به خوبی احساس کرد. به‌طور مثال می‌توان به روابط اقتصادی ترکیه با همسایگان جدید اقتصادی^{۱۳} شامل شمال آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و بالکان اشاره کرد، زیرا سهم این همسایگان جدید اقتصادی از صادرات ترکیه از ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۶م به ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۹م افزایش یافت و سهم (اتحادیه تجارت آزاد اروپا) در همین دوره از ۶۰ درصد به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد. سهم همسایگان جدید اقتصادی در واردات ترکیه از ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۶م به ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی افزایش یافت، در حالی که در همین دوره سهم اتحادیه تجارت آزاد اروپا از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافت (Kadioglu&Brubaker,2011:56).

رویکرد متوازن سیاست خارجی ترکیه را در این دوره در سیاست‌گذاری و رویکرد این کشور به صنعت توریسم نیز می‌توان دید، به‌طوری‌که قبل از دوره حاکمیت نوعثمانی‌گرایان بر سیاست خارجی ترکیه، بیشتر توریست‌هایی که از این کشور دیدن می‌کردند از کشورهای غربی و اسرائیل بودند، ولی امروزه ترکیب توریست‌هایی که وارد ترکیه می‌شوند متنوع شده است و علاوه بر کشورهای مذکور از کشورهای عربی و اسلامی نیز هر ساله تعداد زیادی به عنوان توریست از این کشور دیدن می‌کنند. طبق آمار وزارت فرهنگ و توریسم ترکیه در سال ۲۰۱۰م ورودی توریست از کشورهای اسلامی نسبت به سال ۲۰۰۹م افزایش پیدا کرده است. برای مثال، در این سال ورودی توریست‌ها از امارات متحده عربی ۳۴/۹ درصد، قطر ۲۵/۳۵ درصد،

عربستان ۲۶/۸۴ درصد و لبنان ۸۵/۰۷ درصد رشد داشته است. (www.ttnworldwide.com) این موضوعات نشان می‌دهد که در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه، دیگر به ترکیه فقط به عنوان کشوری با هویت غربی و سیاست خارجی غرب‌محور نگاه نمی‌شود. علت این امر نیز همان‌طور که گفته شد سیاست نگاه به شرق و توجه بیشتر سیاست‌مداران نعثمانی‌گرا به جهان اسلام و به‌ویژه کشورهای حوزه خاورمیانه و نیز توجه بیشتر به مناطقی مانند بالکان و شمال آفریقا بوده است. همچنین از دیگر دلایل آن، توجه بیشتر به مناطق اطراف مانند آسیای مرکزی و قفقاز و گسترش روابط با کشورهای این منطقه بدون توجه به قومیت و نژاد آنها و همکاری نکردن مطلق با کشورهای غربی (امریکا و اروپا) و اسرائیل است. برای مثال، ترکیه در طول یک دهه‌ای که نعثمانی‌گرایان بر سیاست خارجی این کشور حاکم بوده‌اند، مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را با کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و بالکان ایجاد کرده و اسناد رسمی دو جانبه و چند جانبه‌ای را طی این سال‌ها با این کشورها به امضا رسانده است. در ادامه به‌طور اجمالی به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

خاورمیانه

واقعیت آن است که رویکرد ترکیه به کشورهای منطقه خاورمیانه در چهارچوب اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی این کشور قابل‌فهم است. این مهم به سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه ابعاد فرهنگی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی - امنیتی می‌بخشد (Kirisci, 2009: 30-35). از جمله اقدامات این کشور در راستای دستیابی به اهداف خاورمیانه‌ای خود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- تشکیل کمیته‌های مشترک رایزنی سیاسی در سطح وزرای خارجه ترکیه و کشورهای عربی
- ۲- موافقت‌نامه همکاری میان ترکیه و اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۴م
- ۳- تشکیل مجمع ترکی - عربی در نشست وزرای خارجه اتحادیه عرب در سپتامبر ۲۰۰۶م. (قائم‌مقامی، ۱۳۸۹)

علاوه بر این، ترکیه در این دوره برای ایفای نقش پررنگ‌تر در خاورمیانه، سال ۲۰۰۷م را به عنوان سال خاورمیانه اعلام کرد. توجه زیاد ترکیه به خاورمیانه باعث شد تا این کشور با توجه به بحران‌های متعدد موجود در این منطقه تلاش کند تا نقش‌آفرینی خود را به صورت جدی و به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار افزایش دهد تا جایی که امروزه برای این امر، از طرف متفکران روابط بین‌الملل از مفهوم «درخشش دیپلماتیک» سخن به میان می‌آید. همچنین رویکرد اقتصاد سیاسی ترکیه به خاورمیانه به عنوان یکی از کانون‌های مورد نظر این کشور در راستای اهداف و منافع اقتصادی آن قابل‌تأمل است. توجه فراوان ترکیه به جهان اسلام و کشورهای

خاورمیانه باعث تغییر نگرش کشورهای عربی - اسلامی نسبت به این کشور شده است، به طوری که بر اساس نظرسنجی بنیاد «تی. ای. اس. ای» در سال ۲۰۱۱م در هشت کشور خاورمیانه شامل (ایران، عراق، سوریه، عربستان، فلسطین، لبنان، اردن و مصر) ۷۸ درصد افکار عمومی این کشورها معتقد بودند که ترکیه باید نقش بیشتری در منطقه خاورمیانه داشته باشد، زیرا نگرشی که قبلاً مبتنی بر خصومت و بی‌اعتمادی بود، اکنون تا حدود زیادی تبدیل به اعتماد و دوستی شده است و از مهم‌ترین عواملی که در این امر دخالت داشته‌اند می‌توان به ترتیب این‌ها را نام برد:

- ۱- روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تأکید بر هویت تاریخی و گرایش (از لحاظ تاریخی و فرهنگی) به کشورهایی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، از جمله کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه؛
- ۲- تصمیم پارلمان ترکیه در مارس ۲۰۰۳م مبنی بر امتناع از همکاری با آمریکا در جنگ علیه عراق و همچنین پاسخ ترکیه به جنگ غزه یا آنچه در داووس سوئیس در سال ۲۰۰۹م پیش آمد (سخنرانی اردوغان علیه اسرائیل)؛
- ۳- تحول و رشد اقتصادی یک دهه گذشته در ترکیه و افزایش مراودات اقتصادی با کشورهای منطقه خاورمیانه. (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

افریقا

در مورد روابط ترکیه با آفریقا در این دوره باید گفت نوع‌ثمانی‌گرها به علت ریشه تاریخی روابط این کشور با این قاره، به ویژه کشورهای شمال آفریقا و کرانه جنوبی مدیترانه مانند مصر، لیبی، الجزایر، تونس، سودان، اریتره، اتیوپی، جیبوتی، سومالی و حتی نیجریه (زیرا در گذشته تمام یا بخشی از این کشورها جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند)، اقدام به برقراری و تقویت روابط با این کشورها کرده و در این راستا تلاش‌های گسترده‌ای را انجام داده‌اند که از جمله می‌توان به برگزاری کنگره بین‌المللی آفریقا در سال ۲۰۰۵م در استانبول و اعلام کردن این سال در ترکیه به نام سال آفریقا، دیدارهای مقامات ترکیه از آفریقا از جمله دیدار مارس ۲۰۰۵م اردوغان از کشورهای آفریقای جنوبی، اتیوپی و تونس و همچنین دیدار فوریه ۲۰۰۸م عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه، از کشورهای تانزانیا، جمهوری دموکراتیک کنگو و جمهوری کنگو و تأکید آنها مبنی بر گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه با این کشورها اشاره کرد. همچنین ترکیه در این دوره در سال ۲۰۰۵م به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا انتخاب و سفارت «آکردتیه»^{۱۴} خود را در مقر این اتحادیه افتتاح کرد و در ژانویه ۲۰۰۸م نیز ترکیه در اجلاس آدیس‌آبابا به عنوان شریک استراتژیک این اتحادیه انتخاب شد. (بخشی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۳۷)

بالکان

در این دوره سیاستمداران نعثمانی‌گرا به منطقه بالکان و به خصوص کشورهای یونان، بلغارستان و بوسنی به واسطه میراث عثمانی و قومیت ترک و مسلمان آنها نگاه ویژه‌ای داشته‌اند و برای توسعه و گسترش نفوذ در این مناطق تلاش گسترده‌ای را بر اساس اشتراکات تاریخی و فرهنگی انجام داده‌اند. «آتون آستاساکیس»^{۱۵} از دانشگاه آکسفورد ضمن تأیید این موضوع دلایل توجه ترکیه به بالکان را در این دوره چنین بیان می‌کند: نخست، زمینه‌های تاریخی که اغلب ناشی از نوستالژی ایده‌آل عثمانی در بالکان است که در آن شهروندان در یک امپراتوری چندفرهنگی و چندقومیتی همزیستی داشته‌اند؛ دوم، ترکیه به عنوان پدیری برای مسلمانان بالکان در یونان، بلغارستان، آلبانی و کشورهای یوگسلاوی سابق عمل کرده است، موضوعی که توسط دکترین عمق راهبردی داوود اوغلو در ایجاد روابط مبتنی بر اشتراکات مذهبی و فرهنگی تأکید بیش از حد می‌شود. (Kadioglu&Brubaker,2011:3-4)

به هر حال باید گفت که ترکیه در این دوره به قدری فعالیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک خود را در این منطقه افزایش داد که بسیاری از آن به عنوان نعثمانی‌گرایی در بالکان نام می‌برند. ویژگی دیگری که سیاست خارجی ترکیه در این دوره نسبت به کشورهای بالکان دارد این است که این کشور تلاش کرده است تا در راستای تنش‌زدایی و گسترش روابط با کل کشورهای بالکان گام بردارد که در این راستا می‌توان به برگزاری نشست سه جانبه روسای جمهور بوسنی و هرزگوین، کرواسی و صربستان در استانبول در آوریل ۲۰۱۰م و متعاقب آن بیانیه استانبول اشاره کرد. بر اساس این بیانیه، صربستان متعهد شد که به تمامیت ارضی بوسنی و هرزگوین احترام بگذارد و این امر، موفقیتی بزرگ برای ترکیه به حساب می‌آید، زیرا پس از مدت‌ها برای اولین بار طرف‌های درگیر در بالکان به ترکیه به عنوان یک میانجی قابل‌اعتماد نگاه کردند. (بهرامی، ۱۳۹۰)

آسیای مرکزی و قفقاز

در مورد روابط ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه باید گفت که در این دوره این کشور دیگر از عینک غرب‌گرایان که قبلاً بر ترکیه حاکم بودند به این منطقه نگاه نمی‌کند؛ درواقع، دیگر روابط ترکیه با این کشورها بر اساس هم‌زبان بودن و هم‌نژاد بودن نیست و تا حدود زیادی تحت تأثیر نگاه غرب تنظیم نمی‌شود، بلکه بر اساس نگاهی که سیاستمداران نعثمانی‌گرا به سیاست خارجی ترکیه دارند، ایجاد رابطه متوازن با تمام این کشورها مدنظر قرار گرفته است. برای نمونه، کشور تاجیکستان علی‌رغم اینکه از لحاظ زبانی و نژادی کاملاً با ترکیه متفاوت است، اما در این دوره نزد سیاستمداران نعثمانی‌گرا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، به طوری که عبدالله گل پس از رسیدن به

ریاست جمهوری ترکیه در سفر به تاجیکستان فصل جدیدی را در روابط ترکیه با این کشور گشود. در این سفر رؤسای جمهور دو کشور بیانیه‌ای مشترک و سه سند جدید همکاری برای توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی امضا کردند که این اسناد باعث شد تا دو کشور در زمینه‌های اقتصاد، انرژی، گردشگری، کشاورزی، حمل‌ونقل و زمینه‌های علمی - آموزشی همکاری‌های گسترده‌ای را آغاز کنند (سلامتی، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۵۸). مقامات تاجیکستان در سال ۲۰۱۲ م اعلام کردند حجم گردش مالی میان دو کشور تا پایان سال، ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده که در مقایسه با ۱۰ سال قبل ۳ برابر افزایش یافته است. در حال حاضر نیز حدود ۵۵ کارخانه و مؤسسه مشترک با سرمایه ترکیه در تاجیکستان فعال است که به‌طور عمده در بخش اقتصاد و تجارت، معارف، خدمات، ساختمان‌سازی و بعضاً مخابرات و صنایع سبک فعالیت می‌کنند. (www.CcsI.ir)

ارمنستان کشور دیگری است که علی‌رغم دشمنی دیرینه‌اش با ترکیه که ریشه در قتل عام ارمنه توسط ارتش عثمانی در سال ۱۹۱۵ م در آنااتولی دارد، سیاست‌مداران نوعثمانی‌گرا تلاش کرده‌اند تا روابط ترکیه با این کشور را بهبود بخشند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به دیپلماسی نامه،^{۱۶} دیپلماسی فوتبال،^{۱۷} تشکیل کمیته سازش ارمنستان-ترکیه^{۱۸} (Kadioglu&Brubaker,2011:27) و امضای توافقنامه‌ای که به نقشه راه آنکارا - ایروان معروف شد و هدف آن عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان بود اشاره کرد. (سلامتی، ۱۳۸۹: ۲۶) این تلاش‌ها باعث شد تا روابط ترکیه و ارمنستان در مسیر عادی شدن پیش برود و از نشانه‌های عادی شدن این روابط می‌توان به بازگشایی راه‌های مرزی ترکیه و ارمنستان در سال ۲۰۰۹ م اشاره کرد که باعث شد مبادلات دو کشور افزایش پیدا کند، به‌طوری که میزان آن در سال ۲۰۱۱ م به ۲۵۰ میلیون دلار رسید و روند افزایش آن نیز ادامه دارد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸/۱۲/۸).

در مورد گرجستان نیز باید گفت که روابط دو کشور با روی کار آمدن سیاست‌مداران نوعثمانی‌گرا در ترکیه توسعه و گسترش یافت و نمود آن را در انعقاد توافقنامه تجارت آزاد بین دو کشور به خوبی می‌توان مشاهده کرد. به هر حال باید گفت علی‌رغم تنش‌های به وجود آمده در روابط ترکیه و گرجستان در دوران حاکمیت نوعثمانی‌گرایان بر ترکیه بر سر مسائل مختلف مانند جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ م که در آن، ترکیه اجازه ورود کشتی‌های جنگی آمریکا به دریای سیاه برای حمایت از گرجستان را نداد و همچنین ادعاهای گرجستان مبنی بر نفوذ و تأثیرگذاری و حمایت ترکیه از جنبش جدایی‌طلب ابخازی (Kadioglu&Brubaker,2011:27) روابط دو کشور در این دوره همواره در حال گسترش بوده است و تأثیر آن را روی روابط اقتصادی و تجاری به خوبی می‌توان مشاهده کرد. بر اساس اطلاعات و آمار رسمی در گرجستان و در دوره زمانی ژانویه و نوامبر سال ۲۰۱۱ م، میزان

مبادلات بازرگانی میان گرجستان و ترکیه یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیون دلار بوده است. (www.asnoor.ir)

روابط ترکیه با جمهوری آذربایجان نیز در دوره حاکمیت نوعثمانی‌گرایان برخلاف گذشته گسترش فراوانی یافته است. در حال حاضر، دو طرف به عنوان متحد یا شریک استراتژیک به یکدیگر نگاه می‌کنند. در این دوره، تنش‌هایی در روابط دو کشور در مورد موضوعات مختلف به وجود آمد که از جمله آنها می‌توان به امضای توافقنامه موسوم به نقشه راه میان ترکیه و ارمنستان و مخالفت آذربایجان با آن (سلامتی، ۱۳۸۹، ۲۶۴) و اختلاف دو کشور در ارتباط با اسرائیل اشاره کرد، زیرا ترکیه خواهان همراهی باکو با آنکارا در تقابل با اسرائیل بود و صراحتاً از مقامات جمهوری آذربایجان خواست تا در روابط اقتصادی و نظامی خود با اسرائیل بازننگری کنند، ولی آذربایجان به این تقاضای ترکیه جواب مثبت نداد. علی‌رغم این تنش‌ها باید گفت که روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان در این دوره به رشد و توسعه خود از جمله در زمینه سیاسی و اقتصادی ادامه داد که در زمینه سیاسی می‌توان به سفر اردوغان در سال ۲۰۱۱م به آذربایجان اشاره کرد (www.CcsI.ir). در زمینه اقتصادی نیز می‌توان به سخنان «سویچ حسن او»، معاون وزیر توسعه و اقتصاد جمهوری آذربایجان، که در سال ۲۰۱۲م در نشست اقتصادی آذربایجان - ترکیه در باکو اعلام نمود، اشاره کرد. وی بیان کرد، میزان مبادلات تجاری بین دو کشور در مقایسه با سال ۲۰۱۱م ۸۵ درصد افزایش یافته و در سال‌های اخیر شرکت‌های ترکیه‌ای در طرح‌های آذربایجان حدود ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ در مقابل، ۸۵۰ شرکت آذری نیز در اقتصاد ترکیه به میزان ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند. (www.astpo.com)

در اینجا ذکر این نکته لازم است که اگرچه ترکیه در زمان حاکمیت سیاست‌مداران نوعثمانی‌گرا توجه بیشتری به کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه، مناطق اطراف یا مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند کرده است، اما هیچ‌گاه در جهت‌گیری سیاست خارجی خود، گسترش روابط با غرب (امریکا و اروپا) و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا را از اولویت سیاست خارجی‌اش خارج نکرده است، با این تفاوت که دیگر مانند گذشته همراهی کاملی با سیاست‌های غرب در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ندارد. در ادامه پژوهش، به‌طور اجمالی به بررسی روابط ترکیه با امریکا، اروپا و اسرائیل، متأثر از رویکرد جدید چندوجهی این کشور به سیاست خارجی خود پرداخته می‌شود.

امریکا

در ارتباط با روابط ترکیه با امریکا در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه باید گفت که ترکیه در مسائلی مانند حمله به عراق در سال ۲۰۰۳م و همچنین اعمال تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران نه تنها با امریکا همراهی نکرد بلکه تقابل با این کشور قرار گرفت، زیرا هنگامی که پارلمان ترکیه در نشست اول مارس ۲۰۰۳م خود لایحه پیشنهادی دولت را رد نمود

به شدت خشم مقامات امریکایی را نسبت به متحد دیرینه خود برانگیخت به گونه‌ای که «پل وولفووتیز»، معاون وقت وزیر دفاع امریکا، که مسئولیت قانع کردن آنکارا نسبت به عبور نیروهای امریکایی از خاک ترکیه برای حمله به عراق را برعهده داشت به واکنش واداشت. وی در مصاحبه‌ای که با CNN ترک در اوایل مارس ۲۰۰۳م انجام داد از ترکیه خواست تا نسبت به اشتباهی که در رد درخواست امریکا کرده است از ایالات متحده عذرخواهی کند. اظهارات وی موجب خشم مقامات ترکیه‌ای شد، به گونه که رجب طیب اردوغان اعلام کرد که ترکیه از ابتدا در این مورد هیچ اشتباهی را مرتکب نشده است. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹، ۲۱۲-۲۱۰) به هر حال باید گفت امتناع پارلمان ترکیه از دادن اجازه به امریکا برای حمله به عراق از طریق خاک این کشور سال‌ها روابط بین دو کشور را تحت تأثیر قرار داد. به عقیده صاحب‌نظران هیچ رویدادی بیشتر از جنگ عراق بر روابط ترکیه و امریکا تأثیر مخرب نداشته است. (واعظی، ۱۳۸۷، ۶۰) در مورد اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز سیاست‌مداران نعثمانی‌گرا از همان ابتدا در مقابل امریکا ایستادند یا درواقع به تقابل با این کشور پرداختند. به‌طور مثال می‌توان به قرارداد صادرات ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز ایران به ترکیه در فوریه ۲۰۰۷م اشاره کرد که باعث انتقاد شدید کاخ سفید از ترکیه شد. در واکنش به این قرارداد «شان مک کورمک»^{۱۹}، سخنگوی وقت وزارت خارجه امریکا، در یک موضع‌گیری رسمی عنوان کرد که واشنگتن خواهان افزایش پیوندها در زمینه انرژی میان ترکیه به عنوان یک متحد ناتو با ایران نیست. اگر از ما بپرسند که اکنون زمانی مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران است، قطعاً پاسخ ما منفی خواهد بود. در واکنش به این اظهارات، اردوغان، نخست وزیر ترکیه، بیان کرد که آنکارا برای تعقیب منافع خود نیازی به کسب اجازه از امریکا ندارد (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹، ۲۰۶-۲۰۵).

در اینجا باید گفت که در این دوره علاوه بر تعارض در روابط ترکیه و امریکا در مورد موضوعاتی که ذکر شد، در زمینه‌هایی نیز همکاری وجود داشته است که از جمله آنها می‌توان حمایت و همراهی امریکا با ترکیه در پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا را ذکر کرد که این امر را می‌توان به روشنی در گفته‌های سیاست‌مداران امریکایی در این دوره مشاهده کرد. «ریچارد پرل»^{۲۰}، نومحافظه‌کار معروف و از معماران جنگ عراق، سیاست‌های اتحادیه اروپا در پذیرفتن عضویت ترکیه را تضعیف‌کننده ارتش و قدرت ترکیه علیه تروریسم خواند. (تیموری، ۱۳۸۶) «رابرت گیتس»^{۲۱}، وزیر دفاع اسبق امریکا، نیز علت گرایش ترکیه به سمت شرق را پذیرفتن این کشور در اتحادیه اروپا عنوان کرد و همواره به خاطر این موضوع از اتحادیه اروپا انتقاد می‌کرد. (www.arannews.ir) از عوامل دیگری که در این دوره باعث کاهش تعارض در روابط ترکیه و امریکا شد، می‌توان به تصمیم اردوغان مبنی بر اعزام یک‌هزار نیروی نظامی به لبنان برای همراهی نیروی حافظ صلح سازمان ملل^{۲۲} (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹، ۲۰۹-۲۰۸)

و موافقت ترکیه با نصب سیستم‌های ضد موشک ناتو در خاک این کشور اشاره کرد. (www.snn.ir) اما مهم‌ترین موضوعی که در حال حاضر هر دو کشور در آن همکاری کامل دارند مسئله سوریه است؛ در واقع، ترکیه در این مسئله چنان با امریکا احساس همسانی هویتی می‌کند که با برنامه‌های امریکا در این موضوع همراه شده است.

اروپا

در مورد روابط ترکیه با اتحادیه اروپا باید گفت که اگرچه اردوغان و دیگر سیاستمداران نوعثمانی‌گرای حاکم بر ترکیه پس از رسیدن به قدرت ورود به اتحادیه اروپایی را اصلی‌ترین اولویت خود معرفی کردند و با همکاری با ناتو در اعزام نیرو به افغانستان، تمایل به استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه، اعزام سرباز در قالب نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل به بیروت، جایگاه اروپایی ترکیه را ارتقا دادند و حتی در زمینه روابط اقتصادی همکاری گسترده‌ای با اروپا داشتند. برای مثال، با وجودی که میزان تجارت ترکیه با اروپا در دوره حاکمیت گفت‌وگو نوعثمانی‌گرایی بر این کشور به علت توجه بیشتر به شرق کاهش یافت، ولی هنوز اتحادیه اروپا شریک اول تجاری ترکیه محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۰م ترکیه ۴۶/۳ درصد از صادرات خود، یعنی معادل ۳۹/۷۵۴ میلیارد یورو را به کشورهای اروپایی داشت و همچنین ۳۹/۳ درصد از واردات خود، یعنی معادل ۵۴/۶۰۹ میلیارد یورو از وارداتش را از کشورهای عضو این اتحادیه انجام داد. در مجموع ترکیه ۴۲ درصد از کل حجم تجارت خود را با این اتحادیه انجام داد. این روند در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲م ادامه پیدا کرد، به طوری که در سال ۲۰۱۱م سهم اتحادیه اروپا از صادرات ترکیه ۴۶/۵۹ درصد و سهم واردات ترکیه از اتحادیه اروپا ۳۷/۲ درصد بوده است. در ده ماهه اول سال ۲۰۱۲م نیز مجدداً در صادرات و واردات ترکیه، اتحادیه اروپا رتبه اول را داشته است، به طوری که در این زمان ترکیه ۳۸/۵ درصد از صادرات خود را به اتحادیه اروپا (۲۷ کشور) می‌فرستاد و در زمینه واردات نیز ۳۶/۶ درصد از واردات خود را از اتحادیه اروپا انجام می‌داد. (www.egtesadonline.com) اما در این دوره اتحادیه اروپا و ترکیه در مسائلی مانند نوع نگاهی که به مسئله سودان داشتند (در حالی که اتحادیه اروپا به دنبال حکم دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در لاهه خواستار دستگیری و محاکمه عمرالبشیر بود، وی در سال ۲۰۰۸م به استانبول سفر می‌کند و مورد استقبال مقامات رسمی ترکیه قرار می‌گیرد و مقامات ترکیه‌ای با وی دیدارهای سطح بالا انجام می‌دهند)، مشارکت و همکاری گسترده با محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، ایران و همچنین روابط ترکیه با حماس (در حالی که اروپایی‌ها از حماس دوری می‌کنند و بیشتر ترجیح می‌دهند با سازمان فلسطینی فتح و شخص محمود عباس مذاکره کنند، اما مقامات ترکیه در این دوره مقامات حماس را به آنکارا دعوت کرده و به گرمی از آنها استقبال می‌کنند)، با هم تعارض داشتند و حتی این موضوعات باعث شد که روابط دو کشور در دوره‌هایی به سردی گراید. (Meral&Paris,2010,81)

اسرائیل

در مورد روابط ترکیه با اسرائیل نیز در این دوره مواضع سیاستمداران نوعثمانی‌گرا در مقابل اسرائیل نسبت به گذشتگان خویش تغییر کرد. در رویکرد جدید، آنکارا ضمن این‌که رابطه با اسرائیل را حفظ کرده، ولی سیاست فعال‌تری را به نفع فلسطینی‌ها در پیش گرفته است، به‌طوری‌که گاهی حتی کفه ترازو به نفع فلسطینی‌ها سنگین‌تر می‌شود. برای مثال، وقتی اسرائیل در سال ۲۰۰۴ اقدام به ترور رهبران حماس مانند شیخ احمد یاسین و متعاقب آن عبدالعزیز رنتیسی کرد دولت ترکیه با هدف اعتراض به این اقدام اسرائیل ضمن تجدیدنظر در قرارداد و همکاری دفاعی با اسرائیل بخش‌هایی از این قرارداد را به حالت تعلیق درآورد و درخواست شارون برای دیدار از ترکیه را رد کرد. (امراب و پربیش، ۱۳۹۱) همچنین دولت ترکیه این اقدام را تروریسم دولتی نامید و شخص اردوغان از اسرائیل به عنوان دولت ترور یاد کرد. (www.agahahanpib.ir) نکته‌ای دیگر که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد به رسمیت شناختن حماس توسط ترکیه پس از پیروزی‌های این گروه در انتخابات محلی سال ۲۰۰۵م و سپس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶م است. ترکیه حتی پس از این پیروزی‌ها نگاهش به حاکمیت فلسطین در غزه را از حالت دو فاکتور به دوزور^{۲۴} تغییر داد که این اقدام آن‌ها با انتقاد شدید اسرائیل روبه‌رو شد، (Dufner & Berthod, 2010, 2) زیرا حماس اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و موجودیت آن را قبول ندارد، اما استدلال ترکیه این بود که این اقدام، حماس را به فرایند صلح با حفظ موجودیت اسرائیل برمی‌گرداند. (Taspinar, 2008, 25)

در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با اسرائیل نیز ترکیه بار دیگر مواضع انتقادی شدیدی نسبت به عملکرد ارتش اسرائیل در حمله به مراکز غیرنظامی و کشته شدن شهروندان لبنانی اتخاذ کرد، به‌طوری‌که اردوغان در اظهاراتی صریح اقدامات اسرائیل را در این جنگ، غیرمنصفانه و دور از وجدان دانست، (اکبری، ۱۳۸۷، ۱۸۰) اما مهم‌ترین عاملی که در این دوره نشان‌دهنده تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به اسرائیل است در ژانویه ۲۰۰۹م اتفاق افتاد، یعنی زمانی که اردوغان در کنفرانس جهانی اقتصاد در داووس سوئیس انتقاداتی صریح در مورد اقدامات اسرائیل در زمان جنگ غزه ابراز کرد، زیرا سخنان اردوغان در این کنفرانس یک تغییر شگرفی را در موضع ترکیه نسبت به اسرائیل و فلسطینی‌ها نشان می‌داد که بیشتر به نفع فلسطینی‌ها بود و باعث شد تا روابط متقابل و طولانی ترکیه و اسرائیل در زمینه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی دچار تنش و سردی شود. با این حال، علی‌رغم وجود این تنش‌ها و اختلافات، دو کشور هیچ‌گاه به سمت قطع کامل روابط پیش نرفتند. برای مثال، پس از حمله اسرائیل در ۳۱ می ۲۰۱۰م به کشتی مسافربری ترکیه‌ای «ماوی مرمه» در آب‌های بین‌المللی که طی آن ۹ فعال حقوق بشر کشته شدند که ۸ نفر آنها ترک بودند، مقامات ترکیه این اقدام اسرائیل را به عنوان تروریسم دولتی محکوم کردند و روابط متقابل ترکیه و اسرائیل به پایین‌ترین حد خود در تاریخ

کاهش پیدا کرد، (Onis, 2011, 50-52) اما اردوغان در پاسخ به سؤالی در خصوص احتمال قطع رابطه ترکیه با اسرائیل گفت: «در عرف دیپلماتیک، قطعی رابطه با کشوری که آن را به رسمیت شناخته‌ایم هیچ شأن و منزلتی ندارد.» (محمدزاده، ۱۳۹۱)

در زمینه مسائل اقتصادی نیز بر اساس آمار منتشرشده باید گفت علی‌رغم روابط بحرانی سیاسی ترکیه با اسرائیل در این دوره، در سال ۲۰۱۱م حجم روابط تجاری بین دو کشور از مرز چهار میلیارد عبور کرد و به بالاترین سطح خود در طول پنج سال گذشته رسید. بر اساس این آمار در حالی که حجم صادرات ترکیه به اسرائیل در سال ۲۰۱۰م در سطح ۱/۸ میلیارد دلار باقی مانده بود، این رقم در سال ۲۰۱۱م با بیست درصد افزایش به ۲/۱۷ میلیارد دلار افزایش یافت و حجم صادرات اسرائیل به ترکیه نیز از مبلغ ۱/۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰م با ۴۰ درصد افزایش به ۱/۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱م ارتقا پیدا کرد. (www.tebyan-zn.ir)

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، توجه رهبران این حزب به هویت تاریخی این کشور است که برگرفته از امپراتوری چندملیتی، چند نژادی و چند زبانی عثمانی است که به مدت بیش از شش قرن یکی از قدرت‌های مهم و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل بود. رهبران و سیاستمداران حزب عدالت و توسعه توجه به سابقه تاریخی و فرهنگی این کشور و استفاده از آن برای احیای نفوذ و گسترش روابط این کشور با مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. برآیند این رویکرد تلقی سیاستمداران و تحلیل‌گران مسائل ترکیه از آن به عنوان سیاست خارجی نوع‌ثمنی‌گرا است. از الزامات رویکرد نوین گذار از ایدئولوژی کمالیسم و غرب‌گرایی یکسویه برآمده از آن به سمت نوعی پراگماتیسم مبتنی بر سیاست خارجی چند جانبه‌گرا یا چندوجهی است. امروزه ترکیه در بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای و جهانی مورد اعتماد طرفین قرار می‌گیرد و نقش میانجی و واسطه را بازی می‌کند. شهر استانبول به مرکز برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های بین‌المللی متعدد و متنوعی تبدیل شده است. ایفای نقش فعال و به نوعی میانجی‌گری میان غرب و ایران بر سر مسئله هسته‌ای، میانجی‌گری بین سوریه و اسرائیل در مقطعی، میانجی‌گری در بحران لبنان، وساطت میان فتح و حماس و همچنین میانجی‌گری میان فلسطینی‌ها و اسرائیل، برآیند رویکرد جدید حاکم بر سیاست خارجی این کشور است. علاوه بر این، سیاست خارجی نوع‌ثمنی‌گرا باعث گسترش روابط ترکیه با مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، یعنی کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و بالکان شده، به طوری که مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه با این کشورها نسبت به گذشته افزایش فراوانی یافته است.

اما علی‌رغم افزایش نگاه به شرق در سیاست خارجی ترکیه در این دوره، کشور مزبور گسترش

رابطه با آمریکا و اروپا و تلاش برای همگرایی با غرب را از اولویت سیاست خارجی خود خارج نکرده است. مطابق آمارها هنوز شریک اول ترکیه در روابط اقتصادی و تجاری اتحادیه اروپا است. با این حال، ترکیه در این دوره دیگر مانند گذشته همراهی کاملی با غرب در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نداشته است. برای مثال در رابطه با آمریکا در مسائلی مانند تحریم ایران، حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳م، به رسمیت شناختن حماس و گسترش روابط با این گروه فلسطینی همراهی نکرد. در رابطه با اتحادیه اروپا نیز در مسائلی مانند مسئله سودان و گسترش روابط با حماس به مقابله با این اتحادیه پرداخت. در مورد اسرائیل نیز مانند گذشته سیاست‌مداران نوعثمانی‌گرا با این کشور همراهی کاملی نداشتند و در واقع توجه‌شان به یک نوع توازن در رابطه با این کشور و کشورهای عربی - اسلامی به‌ویژه فلسطینی‌ها بوده است، به‌طوری که رهبران سیاسی ترکیه در این دوره خود را در میان دو جهت کاملاً متضاد و متعارض دریافتند. آنان از یک سو با حمایت از مسائل عربی - اسلامی و به‌ویژه فلسطینی‌ها تا مرز سردی روابط با اسرائیل پیش رفتند و شخص اردوغان چندین بار در موضع‌گیری‌های رسمی خود از واژه جنایت برای توصیف اقدامات نظامیان اسرائیلی استفاده کرد و از دیگر سو، تحت تأثیر عواملی مانند تمایل این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا و جلوگیری از سردی روابط با آمریکا، روابط خود را با اسرائیل حفظ کرده، از قطع آن اجتناب کرده‌اند. حاکم شدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و توجه رهبران آن به اجرای سیاست خارجی نوعثمانی‌گرایی باعث شده که سیاست خارجی ترکیه در این دوره با نگرش چندوجهی و مبتنی بر توازن (همکاری و منازعه) مستقل‌تر و دارای اعتماد به نفس بیشتری نسبت به گذشته باشد و دیگر گسترش روابط با غرب را تحت هر شرایطی در اولویت خود قرار ندهد، بلکه از گزینه‌های دیگری مثل جهان اسلام و خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان، شمال آفریقا و غیره غفلت نکند و به جای حرکت یک سویه به سوی سازمان‌ها و نهادهای غربی مثل ناتو و اتحادیه اروپا به سوی گروه‌ها و سازمان‌های غیرعربی مثل گروه کشورهای بریکس (روسیه، برزیل، چین، هندوستان و آفریقای جنوبی)^{۲۵} و سازمان کنفرانس اسلامی نیز حرکت کند، به‌طوری که می‌توان گفت در این دوره ترکیه مانند کشتی بُسفری متعهد و وابسته به کشتی‌های جهان است که این کشتی‌ها در جهت‌های مختلف گاهی برای همکاری و گاهی منازعه کشیده می‌شوند.

بدین ترتیب در بررسی کلی تأثیر هویت تاریخی بر نوعثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه باید گفت این سیاست تا حدودی باعث احیای نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی یا مناطقی که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بودند، شده است و در عین حال روابط این کشور با اروپا، آمریکا و اسرائیل نیز دستخوش تغییرات زیادی نشده است. این امر در کوتاه‌مدت تأثیرات مطلوبی در اقتصاد و تجارت خارجی ترکیه و همچنین ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن به دنبال داشته است. اما پیش‌بینی اینکه در شرایط متغیر منطقه‌ای و

جهانی این روند ادامه پیدا کند یا خیر، دشوار است. واقعیت آن است که از هم‌اکنون نیز زمینه‌هایی از ناکامی در این نوع سیاست خارجی در بعضی از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی به چشم می‌خورد. اینکه این روند چه آینده‌ای را برای سیاست خارجی نوعثمانی‌گرایی رقم خواهد زد زمینه و بستر مناسبی برای تحقیقات دیگری است. اهمیت تمرکز تحقیقاتی بر روی این موضوع به‌ویژه برای ج.ا.ا. از حیث ضرورت سناریوسازی فراروی آینده هویت و سیاست خارجی ترکیه و پرسش از امکان یا امتناع حل‌وفصل تعارضات هویتی در این کشور است. سرشت اهداف، منافع و رفتار سیاست خارجی ترکیه در قبال بازیگرانی نظیر ج.ا.ا. در چهارچوب پرابلماتیک هویت‌یابی این کشور در بستر ارزش‌های متعارض غربی، اسلامی و تاریخی در سال‌های آتی قابل‌فهم است؛ بنابراین، مکان‌یابی و جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی بستگی به چگونگی مواجهه دولت‌مردان ترک با پارادوکس‌های فراروی این کشور در جهان اطراف، جهان اسلام و غرب دارد که خود به تناسب حل‌وفصل تعارضات هویتی ترکیه در سال‌های پیش رو دچار قبض و بسط جدی شده و رقم خواهد خورد.

یادداشت‌ها

- ۱- اشاره به جنگ بین امپراتوری عثمانی و ایتالیا (۱۹۱۲ - ۱۹۱۱ م) بر سر لیبی دارد.
- ۲- اشاره به جنگ بین عثمانی و متفقین در اواخر جنگ جهانی اول دارد که در تنگه استراتژیک و مهم داردانل که دریای مرمره را به دریای اژه متصل می‌کند اتفاق افتاد.

3-Alexander Wendt

4- Rationalists

5-Ideational theories

6-Constructivism

۷- اسلام اجتماعی به جدایی دین از سیاست توجه دارد، اما اعتقاد داد که سیاست باید در بستری اخلاقی، اجتماعی

صورت گیرد.

8-Cengiz Candar

9-Baskin Oran

10- Ayse Kadioglu

11-Kalypso Nicolaidis

12-Graham Fuller's

13- (NEN) New Economic Neighbour Hood.

14-EU-EFTA.

۱۵ - سفارت آکردتیه در واقع یک نوع سفارت مجازی است که توسط سفیر آکردتیه اداره می‌شود و سفیر آکردتیه سفیری

است که علاوه بر نمایندگی سیاسی دولت متبوع خود در کشوری که مقیم است در کشور مجاور آن نیز به عنوان سفیر

غیرمقیم فعالیت می‌کند.

16- Othon Anastasakis

۱۷- اشاره به رد و بدل شدن نامه میان کوچاریان، رئیس‌جمهور ارمنستان، و اردوغان، نخست‌وزیر، ترکیه دارد.

۱۸- اشاره به سفر عبدالله گل، رئیس‌جمهور، ترکیه در آغاز سال ۲۰۰۸م به ایروان دارد که برای تماشای مسابقه فوتبال بین تیم‌های ترکیه و ارمنستان به ایروان دعوت شد.

19- TARC

20- Sean Mc Cormak

21 Richard Perle

22- Robert Gates

23- UN Peace Keeping Force

۲۴- یعنی از حالت شناسایی موقت و مناسبات سیاسی سطح پایین که در آن دو طرف نمی‌توانستند سفیر مبادله کنند یا قراردادهای دو جانبه امضا کنند به حالت برقراری مناسبات کامل دیپلماتیک تغییر پیدا کرد.

25- "Brics"

کتاب‌نامه

الف - فارسی

- ۱- احمد یاقی، اسماعیل (۱۳۹۱). *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه: رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، بهار.
- ۲- اکبری، نورالدین (۱۳۸۷). *قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت‌های بین‌المللی*، شماره ۱۵، پاییز.
- ۳- امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰). *عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، پاییز.
- ۴- بدل، حسین (۱۳۸۳). *شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه، نشریه طلوع*، شماره ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز.
- ۵- بخشی، احمد (۱۳۸۸). *بررسی تاریخی حضور ترکیه در افریقا (با تأکید بر ده سال اخیر)*، *فصلنامه مطالعات افریقا*، پاییز و زمستان.
- ۶- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹). *تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵، تابستان.
- ۷- حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰). *نوعثمانی‌گرایی و سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)*، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره دوم، تابستان.
- ۸- سلامتی، اعظم (۱۳۸۹). *سیاست خارجی اسلام‌گرایان ترکیه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب

سلامی.

- ۹- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۹). ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌الله گولن در ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز.
- ۱۰- واعظی، محمود (۱۳۸۷). تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان‌ها، راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۷، تابستان.
- ۱۱- یاووز، هاگان (۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران: شرنی.
- ۱۲- اشرفی، حسن (۱۳۹۱). اردوغان - گولن؛ جنگ قدرت پنهان، <http://strategicreview.org>
- ۱۳- اعراب، پریش و ترک، بهادر (۱۳۹۱). جامعه و سیاست چشم‌انداز عمومی ترکیه و جهان در سال ۲۰۰۴، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مجموعه مقالات آرشیوی، شماره ۴۴. www.Irankulturevi.com/farsi/maghalat/44.2.htm
- ۱۴- افخمی، مهدی (۱۳۸۹). نوعثمانی‌گرایی در ترکیه، www.Fararu.com/prtdsfos.yt.9f5azzy.html
- ۱۵- بهرامی، محمد (۱۳۹۰). نوعثمانی‌گرایی ترکیه در بالکان، www.kurdpres.com/code=19874
- ۱۶- تیموری، امیرحسین (۱۳۸۶). همه چیز برای ترکیه، www.sharvandemrouz.com
- ۱۷- روزنامه ایران (۱۳۸۵). مصاحبه با نخست‌وزیر ترکیه، ۲۸ فروردین
- ۱۸- روزنامه ایران (۱۳۸۵). اقلیت ترک مسلمان در یونان، شماره ۳۵۴۵، ۲۱ دی.
- ۱۹- روزنامه دنیای اقتصاد، ۸/۱۲/۸۸، ص ۵.
- ۲۰- زعفرانی، قیس (۱۳۹۰). بازتاب پیروزی اردوغان در جهان، <http://tebian.ir>
- ۲۱- قائم‌مقامی، سیدعلی (۱۳۸۹). سیاست «خاورمیانه‌ای ترکیه»، www.arannews.ir/fa/news/20327.as
- ۲۲- کیانی‌فر، ندا (۱۳۸۵). استانبول، شهر بناهای تاریخی، روزنامه ابتکار، شماره ۷۹۲، ۷ آذر.
- ۲۳- محمدزاده، ج (۱۳۹۱). تأملی بر رفتار جدید ترکیه با اسرائیل، www.arannews.ir/fa/news/18124.aspx
- ۲۴- «وضعیت کنونی مسلمانان در صربستان»، کد خبر: ۱۸۵۷۲۵، ۲۱/۵/۸۶، www.aran.new.ir
- ۲۵- «یهودیان در ترکیه»، ۱۳۹۱/۸/۷، www.yahood.net/maghalat/bankz/dtl/10htm

ب- انگلیسی

- 26- Adler, Emaneul (1997). "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics", European Journal of International Relation, Vol. 3/ No, 3.

- 27- Dufner, Urlke & Berthold, Marc (2010). "*Foreign Policy of Turkey in the Middle East: Values, Interests, Goals*, Hein Rich Boll Shift UNG, AS of February 3.
- 28- Davutoglu, Ahmet,(2008). "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007," *Insight Turkey*, vol. 10, no 1.
- 29- <http://en.wikipedia.org/ReligiousminoritiesinTurkey/13/7/2012>
- 30- <http://turkiye.blogfa.com.7/7/1387>.
- 31- <http://www.asnoor.ir.13/6/1391> and [4/10/1390](http://www.asnoor.ir.4/10/1390)
- 32- Kadioglu, Ayse & Brubaker, Rebecca (2011). "Turkey's foreign policy in a changing world old alignment and new neighbor hoods", international conference, Stantonys College, university of oxford 30 April – 2 May 2010. Publisher: European studies center, st Antony College, university of oxford.length:60pages.
- 33- Kardas, Saban(2010). "Turkey in the Middle East: Redrawing the Geopolitical Map or Building Sandcastles," unpublished document,
- 34- KuRu, AH met (2005). "Globalization and Diversification of Islamic movements Three Turkish Cases", *Political Science Quarterly*, Volume 120, 2 Number.
- 35- Kemal Kirisci(2009). "The Transformation of Turkish Foreign Policy: The Rise of the Trading State," *New Perspectives on Turkey*, no. 40, , 29–57
- 36- Martijn, Grifiiths (1999). *Fifty Key Thinkers in International Relation*, London: Routledge.
- 37- Meral, Zia & Paris Jonathan, "Decoding Turkish foreign policy Hyper activity", *The Washington Quarterly*, October
- 38- Onis, Ziya (2011). "Multiple faces of the new Turkish foreign policy: underlying Dynamics and a Critique", *Insight Turkey*, Vol. 131. No.1.
- 39- Sandrin, Paula (2009). *Turkish foreign policy after the end of cold war from securitizing to de securitizing actor*, University of west minster, september 30.
- 40- Sinan Ulgen(2010). *A Place in the Sun or Fifteen Minutes of Fame? Understanding Turkey's New Foreign Policy*, Carnegie Europe, Number 1, December
- 41- TTN. (2011). "Turkey Aiming for major Growth in tourist Arrivals", Volume 29, No. 8, Available at. www.ttnwprldwide.com
- 42- Taspinar, Omer (2008). *Turkys Middle Eeast policies, Between neo ottomanism and Kemalism*, Carnege.
- 43- Taspinar, Omer (2012). *Turkey; the new model?* From the book, the Islamists Are coming: who they Really Are, c- published by the wilson center and the U.S. institute of peace April.
- 44- T.C.başbakanlik.devlet planlama teşkilati, (2007), disticaret, DPT, Ankara
- 45- Wendt. A(1991)."Bridging the Theory/Meta-Theory Gap in International Relations." *Review of International Studies*, 17,p92-383
- 46- www.allaboutturkey.com/christianityinTurkeyAllaboutTurkeyAllaboutTurkey9/7/1391
- 47- www.asnoor.ir.18/2/1389.
- 48- www.CCSI.ir/30/8/1391 and [6/7/1390](http://www.CCSI.ir.6/7/1390)
- 49- www.astpo.com/10/10/1391.
- 50- www.arannews.ir/18/4/13
- 51- www.snn.ir/28/10/139.
- 52- www.egtesadonline.com/13/9/1391.
- 53- www.agahahanpib.ir/14/6/1387.
- 54- www.tebyan_zn.ir/1/6/139.